

# پرسش



## نوبل حُسنی!

اربابان حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن خیلی زرنگ و بلا و به ویژه مهربان شده‌اند! اینان به مناسبت کریسمس ۴ هدیه فراموش نشدنی، به نام «مریم» و «عیسی» و «روح‌القدس» و «مناره» در بسته‌بندی‌های فریبنده برای ملت ایران در نظر گرفته‌اند که درون هر کدام یک پروپاگاند گوساله‌فریب براندازانه جاسازی شده. البته پروپاگاند کذا به عنوان هدایای کریسمس به رایگان در اختیار ما قرار می‌گیرد، چرا که اربابان حکومت اسلامی از مسیحیان مکتبی و متعهد به نفت و

دلاراند و جنگ با مناره را به همین منظور به راه انداختند تا مسلمین برای نبرد در راه «حق مسلم مناره‌ای» خود به جهاد «عقلانی» برخیزند.

باری نخستین هدیه استعمار همان طاعون سبز و خط توحش امام به عنوان «جنبش آزادیخواهانه» است که دولت اسرائیل و واتیکان با آن موافقت کامل دارند، چرا که خط توحش امام به معنای فوت کردن در آستین پاره حزب لیکود و حزب کارگر برای تهاجم به لبنان و فلسطین و احیانا مصر و سوریه و ... است. و اما هدیه دوم عبارت است از همان طاعون سبز به همراه شعار ابلهانه «جمهوری ایرانی» و حسینعلی منتظری و آیات عظام! هدیه سوم به ملت ایران که همزمان توسط حنازرجوبه، بی‌بی‌سی و رادیوفردها از زبان آخوند مصلحی، رئیس ساواک جمکران در بوق گذاشته شده از زبان اکبر بهرمانی در مشهد «خواست مردم» را فاش می‌کند. و خلاصه اگر این سه هدیه خدایسندانه را نمی‌پسندید، «گاردین» از لیفه تنبان مقدس اربابان‌اش هدیه چهارم را به شما تقدیم خواهد کرد. وجه مشترک چهار هدیه کذا این است که رهبری ملت ایران را به تل موهوم «مردم» و «دانشجویان مخالف» می‌سپارد، حال آنکه برای دستیابی به دموکراسی لازم است گروه‌های شناخته شده با اهداف مشخص و «مادی» بسیج شوند. «مردم» و «دانشجویان» تاکنون جز شعارهای مبهم «خط امام» و هتاک‌ها به خامنه‌ای و احمدی‌نژاد مطالبات صریح «صنفی» و «سیاسی» خود را مطرح نکرده‌اند.

از نظر ما «خط امام» همچون گذشته «خط خیانت» به منافع ملی است و دوران وحشت روح‌الله خمینی نیز شاهدهی است بر این مدعا. در نتیجه آخوند مصلحی بینوا بهتر است بجای طرح مطالبات استعماری اوباش محفل

کودتا آنهم از زبان اکبر بهرمانی بداند و آگاه باشد که اولاً خامنه‌ای مفلوک را نمی‌توان به شاه تبدیل کرد، تا بهرمانی جنایتکار از زبان «مردم» خواهان رفتن‌اش شود. ثانیاً، بهرمانی بسیار بی‌جا کرده که به عنوان رئیس مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت «سخنگوی مردم» شده! ثالثاً «مردم» کذا که در تاریخ معاصر ایران همواره از سوی کارخانه رجاله پروری برای سرکوب و چپاول ملت ایران بسیج شده‌اند نیز چند نکته پیش‌پافتاده را می‌باید بدانند.

نخست‌اینکه «مردم» خامنه‌ای را انتخاب نکرده‌اند، رهبر حکومت اسلامی «مقام انتصابی» دارد. رفتن خامنه‌ای می‌باید از طریق قانونی صورت پذیرد و همان مجلسی که به خامنه‌ای «رأی» داده، یعنی همین مجلس خبرگان می‌باید رهبر را عزل کند. و اگر بهرمانی و همپالکی‌های‌اش همچون «میم‌ته» شهامت ندارند تا در جایگاه واقعی و قانونی خود قرار گیرند، بهتر است خود را در چادر و مقنعه «مردم» پنهان نکنند. نهایت امر این مسئله را نیز باید عنوان کنیم که کنار رفتن خامنه‌ای مشکلات ملت ایران را حل نمی‌کند، همچنانکه رفتن شاه برای کسی در این مملکت معجزه نکرد. طرح این مسائل مضحک، یعنی رفتن خامنه‌ای آنهم از زبان تل موهوم «مردم» فقط برای انحراف افکار عمومی و به بیراهه کشاندن مطالبات صریح ملت ایران است. ولی اربابان حکومت جمکران که این مزخرفات را در بوق گذاشته‌اند باید بدانند، با کنار بردن خامنه‌ای نمی‌توانند جنایات سی ساله این



حکومت را به حساب یک نفر بنویسند. اکبر بهرمانی، بهزاد نبوی، محمد خاتمی، کروی، موسوی و ... در جنایات «رهبر» شریک‌اند و باید در دادگاه صالح برابر ملت ایران پاسخگوی جنایات‌شان باشند.

برخی از خوانندگان گرامی در مورد تشکل «مادران عذار» و «میم‌ته» پرسش‌هایی مطرح کرده و می‌گویند فرد مذکور دانشجوی اخراجی نبوده و خلاصه رسانه رسمی حکومت «دروغ گفته». پیش از پرداختن به مادران سوگوار، لازم است در مورد «میم‌ته‌سالاری» توضیح دهیم. اینکه «میم‌ته» دانشجو باشد یا اخراجی هیچ تفاوتی در ماهیت تخریبی رفتار او ندارد. فرض می‌کنیم فردی به نام مجید توکلی، دانشجو یا غیردانشجو از مخالفان حکومت و یا از مخالفان خامنه‌ای و احمدی‌نژاد در تجمع ۱۶ آذر در دانشگاه، پس از توهین به مقامات حکومت اسلامی با لباس مبدل قصد فرار داشته که دستگیر می‌شود.

«توهین» در رسانه‌ها یا در ملاء عام به مقامات یک حکومت، چه این حکومت دمکراتیک باشد چه مدعی تقدس الهی، «جرم» به شمار می‌رود. بنابراین «میم‌ته» حداقل به دلیل توهین در ملاء عام «مجرم» است. میم‌ته نمی‌تواند ادعا کند که با قوانین و مقررات آشنائی نداشته، چرا که چنین عذری در هیچ دادگاهی پذیرفته نمی‌شود. در اینصورت هر مجرمی می‌تواند ادعا کند که با قوانین آشنائی نداشته. البته مورد توله آخوند واعظ‌طبسی که پس از چپاول ثروت ملی به دلیل گوساله‌پسند «جهل به قانون» تبرئه شد، استثنائی است! این استثناء در مورد همه خودی‌های حکومت مقدس به یک شیوه واحد اعمال می‌شود، چرا که اینان به دلیل نزدیکی به قدرت «الهی» همواره در «سنگر حق» نشسته‌اند، پس در جنایت و چپاول

نیز «حق» خواهند داشت. به نظر می‌رسد «میم‌ته» نیز از خودی‌ها باشد، چرا که همه به ذلت و حقارت و رفتار شرم‌آور وی «افتخار» می‌کنند. علامت تعجب هم نمی‌گذاریم. یکی از اهداف اصلی سیاست جاری در کشور دوقطبی کردن کاذب فضای جامعه، و تشویق به جرم و جنایت است.

میم‌ته نیز در راستای همین روند تخریبی خود را به عنوان «انسان» و «دانشجو» نابود کرده. پیشتر در این مورد توضیح داده‌ایم پس تکرار مکررات نمی‌کنیم، فقط یادآور می‌شویم که ارتکاب جرم، عدم پاسخگوئی، خودانکاری و فرار، یک روند انسان‌ستیز است، و توهین و فحاشی را «فعالیت سیاسی» نمی‌نامند. اگر «مطالبات» دانشجویان در هتاک و فحاشی به مقامات حکومت جمکران و نهایت امر «لات‌بازی» خلاصه می‌شود، بهتر است این فرهیختگان خیابانی سکوت اختیار کنند. روز ۱۶ آذر ۱۳۸۸، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان خارج از مرکز حکومتی طاعون سبز قرار داشتند و به همین دلیل بود که هیچکس به ممنوعیت حضور خبرنگاران در محل تظاهرات اعتراض نکرد. هر دو گروه اوباش ترجیح می‌دهند خارج از حوزه شفافیت رسانه‌ای قرار گیرند تا بتوانند ما ملت را به رگبار دروغ ببندند و ادعا کنند، «انبوه میلیونی» دانشجویان به طرفداری از این یا آن جناح تظاهرات کرد، حال آنکه واقعیت جز این است. ما هم در محل «شاهدان عینی» داشتیم



که برخلاف شاهدان عینی «بی‌بی‌سی» دروغ‌باف و خیالپرداز نیستند! خلاصه بگوئیم، هیچکس دیگر این دروغ‌ها را باور نمی‌کند. به همین دلیل است که آخوند «مصلحی» از زبان بهرمانی خواهان رفتن خامنه‌ای شده، و تلویحا سخن از بسیج ۳ میلیون «دانشجوی مخالف نظام» به میان می‌آورد و «گاردین» هم ویراست نوینی از تظاهرات ۱۶ آذر و شعارها ارائه داده!

بله آخوند مصلحی، رئیس ساواک جمکران امروز در مورد «مواضع اخیر» اکبر بهرمانی سخنان شیوایی بر زبان رانده که با کد: ۸۳۴۶۳۸ در حنازرچوبه مورخ ۱۹ آذرماه تحت عنوان «تکرار بیانیه‌های سران فتنه توسط هاشمی تکان دهنده است»، انتشار یافته. و از آنجا که هدف از انتشار سخنان کذا فروختن اکبر بهرمانی به عنوان «مدافع مردم» و «مخالف خامنه‌ای» است، مهملات وزیر اطلاعات چاه جمکران در همهٔ رادیوهمبونه‌ها از جمله «بی‌بی‌سی» منعکس شده.

آخوند مصلحی در جمع طلاب و «فضلا» حوزه علمیهٔ قم سخنرانی کرده، و ضمن دوختن آسمان به ریسمان و آمیختن راست و دروغ سعی کرده یکی از توله‌نخبگان را طراح براندازی، و شخص حاج اکبر را هم مخالف رهبر فرزانه معرفی کند. به این ترتیب مصلحی پلید، جایگاه «رهبر معنوی» و «رهبر سیاسی» را همچنان در «سنگر حق» حفظ می‌کند. مهم نیست رهبر کذا بهرمانی باشد یا نه، مهم این است که وزیر اطلاعات حکومت جمکران

در سخنرانی خود به بهانهٔ آنچه در جمکران «انتقاد از سران فتنه» خوانده می‌شود، در واقع زیر پای دولت احمدی‌نژاد را می‌کشد و «مردم» و ۳ میلیون دانشجو را هم «مخالف نظام» معرفی می‌کند.

البته در اینکه احمدی‌نژاد محبوبیتی ندارد تردید نداریم، ولی این عدم محبوبیت در درجهٔ نخست شامل اکبر بهرمانی نیز می‌شود. روشن‌تر بگوئیم کل حکومت اسلامی منفور است نه فقط احمدی‌نژاد! در واقع اربابان حکومت مقدس به وزیر اطلاعات جمکران گویا «اطلاعات غلط» داده، طبق معمول خواست خود را «واقعیت» نمایانده‌اند. البته این نخستین بار نیست که مطالبات آنگلواساکسون‌ها از زبان مقامات بلندپایهٔ جمکران شنیده می‌شود، آخرین بار هم نخواهد بود. تا زمانیکه دست استعمار از ایران کوتاه نشود حکومت ایران نقش سخنگوی رسمی و کارگزار استعمار را ایفا خواهد کرد.

باری آخوند مصلحی در جمع طلاب تلویحاً فرموده‌اند، روز ۱۶ آذر افتتاح شد، حدود ۱۲۰۰ نفر جمع شده بودند و ... و این افراد برای ساختار شکنی برنامه‌ریزی کرده بودند. مصلحی در ادامه از «طلاب» می‌خواهد برای مقابله با ساختار شکنی «حرکت» سنگین و فشرده صورت گیرد! عجیب است که مصلحی ابتدا به تعداد قلیل مخالفان اشاره دارد و بعد از طلاب می‌خواهد برای مقابله با توطئهٔ مخالفان بسیج شوند! چرا؟ چون مخالفان واقعی این حکومت



آن ۱۲۰۰ نفر نیستند، همه دانشجویانی که در تجمع «۱۶ آذر» شرکت نکرده‌اند، مخالف واقعی این نظام به شمار می‌روند! خلاصه حکومت اسلامی برای یک سرکوب گسترده خیز برداشته تا به قول خود با جریان جدید مقابله کند! و جریان جدید که به گفته مصلحی در برابر «اسلام» قرار گرفته، ویژگی‌های عجیبی نیز دارد. به گفته ایشان این جریان ادبیات حزب توده را به کار می‌برد، حزب آخوندپرستی که می‌دانیم همواره از طرفداران حکومت توحش اسلامی بوده.

باری مصلحی جریان جدید را برانداز، سکولار و ضددین می‌خواند! به عبارت دیگر همه دانشجویانی که در تظاهرات «پرشکوه» و خفت‌بار ۱۶ آذر امسال حضور نیافتند، برانداز و سکولار به شمار می‌روند و در سنگر «کفر» نشسته‌اند، پس قتل‌شان «واجب شرعی» می‌شود. جالب اینجاست که مصلحی ادعا دارد در این جریان «سکولار» مجاهدین خلق و مذهبی‌ها نیز حضور دارند! خلاصه بگوئیم ما متوجه نشدیم چگونه مجاهدین خلق و مذهبی‌ها، با ادبیات حزب توده در کنار سکولارها نشسته‌اند، و چگونه است که «سکولار» در قاموس آخوند مصلحی «ضددین» خوانده می‌شود! البته برای دریافت اصل مطلب لازم است نگاهی به مزخرفات بشیریه و حاج فرج دباغ در رادیوفردا و بی‌بی‌سی بیاندازیم تا دریابیم سخنرانی بیشرمانه وزیر اطلاعات جمکران از کجا «خط» می‌گیرد.

ترهات بشیریه، بر فروپاشی و تخریب متمرکز شده بود، و مزخرفات حاج فرج دباغ بر تحمیل جهل و تعصب و باورهای مذهبی فرد بر جامعه. سخنرانی «مصلحی» در واقع سنتزی است از سخنان بشیریه و حاج فرج دباغ. حاج فرج در کمال بلاغت ادعا کرده که دین‌اش را نمی‌تواند در خانه بگذارد، پس «سیاست» بدون دیانت امکانپذیر نیست. بله، وقتی می‌گوئیم اعتقادات مذهبی حریم خصوصی افراد است، حاج فرج دباغ می‌پندارد زمانیکه

از خانه خارج می‌شود باید دین‌اش را در خانه بگذارد. این است دلیل واقعی تبدیل چنین موجود کودن و مفلوکی به «فیلسوف» در کشور ایران: سفله پروری.

البته هیچکس از اوباش‌الله نخواستسته جهل و توهمات‌اش را در خانه بگذارد، آنچه لات و اوباش «فرهیخته» می‌باید انجام دهند، عدم تهاجم به حریم خصوصی دیگران، یعنی خودداری از «تحمیل» باورهای‌شان به دیگر افراد جامعه است. حاج فرج حریم خصوصی را اشتباه «خانه» یا «حرم خصوصی» انگاشته که البته جای تعجب نیست. استعمار در بستر جهل و تعصب و حماقت و بلاغت رشد می‌کند، و به همین دلیل «جاهل پرور» و «ابله‌نواز» است. بگذریم و بازگردیم به آخوند مصلحی، کاشف «جریان جدید!» جریانی که گویا در برابر اسلام قرار گرفته و به گفته حاج اکبر در مشهد شامل ۳ میلیون دانشجوی «غیرخودی» نیز می‌شود که طرفدار هیچیک از ایندو جناح نیستند. در نتیجه، اینان «دشمن اسلام» شناخته می‌شوند. مصلحی چنین فرموده که «دشمنان» از طریق توله‌نخبگان «روی فکر» برخی از خواص کار کرده، و خواص را از راه راست منحرف کرده‌اند.

می‌دانیم که در ادیان ابراهیمی انسان وجود خارجی ندارد، همه ذلیل و بدبخت و صغیر و مهجوراند و به همین دلیل نیز در چارچوب «ادبیات» این ادیان هیچکس پاسخگوی اعمال خود نیست، حتی اگر پیغمبر باشد! خصوصاً زمانیکه پای «خواص» جمکران به میان آید این بی‌مسئولیتی اوج می‌گیرد چرا که اینان از انسان بالغ و



رشید و مسئول هزاران سال نوری عقب‌اند. باری، مصلحی در سخنان خود بند را به آب داده می‌گوید، دو هفته «پس از انقلاب» رفت و آمد عده‌ای به انگلستان مشکوک است. به عبارت دیگر وزیر ساواک جمکران هم از طاعونیان سبز است که آشوب‌های پس از مارگیری را «انقلاب» دانستند:

**«جریان جدید، سکولار، ضددینی [ضد دین]، و براندازانه است با ادبیات حزب توده [...] این جریان در برابر اسلام قرار گرفته [...] دشمنان از طریق آفازاده‌ها روی فکر برخی از خواص کار کرده‌اند [...] رفت و آمد عده‌ای از دو هفته بعد از انقلاب تاکنون به کشور انگلیس مشکوک، عجیب و غریب و تکان دهنده است [...]»**

البته مصلحی حساب توله حاج‌اکبر را از جریان جدید جدا کرده تا «دشمن» نتواند از این امر سوءاستفاده کند. بله، همه جنایات و چپاول نخبگان و توله‌نخبگان فقط به این دلیل نادیده گرفته می‌شود که دستاویز «دشمن» نشود، در غیراینصورت دستگاه عدالت علوی چاه جمکران «مولای درزش» نمی‌رود، اگر باور نمی‌کنید ماجرای خلخال آن زن یهودی در نهج‌البلاغه به شما ثابت می‌کند که منطق علوی بر حکومت اسلامی به ویژه بر قوه قضائیه آن حاکم است:

**«وزیر اطلاعات [...] در مورد دلیل عدم برخورد با فرزندان هاشمی رفسنجانی گفت [...] می‌خواهیم در این موارد معاندین نتوانند دست به اسطوره‌سازی بزنند [...]»**

می‌بینیم که اسطوره‌سازی بسیار کار بدی است، البته زمانیکه از سوی دشمنان یا همان «معاندین» صورت گیرد. اگر خودی‌ها بی‌بی‌گوزک‌سازی کنند و خمینی دجال را در ترادف با گاندی و نلسون ماندلا قرار دهند هیچ اشکالی ندارد. مهم این است که دشمنان، یعنی در واقع ملت ایران از جنایات قبیله بهرمانی آگاه نشوند. چرا که حاج‌اکبر در مشهد

گفته، «تغییر موضع هم نداده!» البته اینکه بهرمانی تغییر موضع نداده از معجزات است؛ سردار سازندگی متخصص ویراژهای سیاسی است و هر لحظه می‌تواند عقربه قطب‌نمای بصیرت‌اش را ۱۸۰ درجه تغییر دهد، آنهم با تکیه بر سخنان یک «امام» مرده!

برای چنین کاری لازم است حاج‌اکبر شیرجه‌ای به آن دنیا زده با امام گفتگو کنند و نظر ایشان را به عنوان نمونه در مورد رابطه با آمریکا جویا شوند و امام‌الله هم برحسب وضع مزاجی‌شان، «یبوست یا شکم‌روش»، که مانند «سیاست‌شان عین دیانت‌شان» بوده و همواره دو قطبی است، پاسخ «مناسب» را به «ستون نظام» ارائه فرمایند. این فرمایشات به ستون نظام نیز بلافاصله در «بی‌بی‌سی» منعکس می‌شود. از مطلب دور افتادیم! بله به دلیل همین معجزات اکبر بهرمانی است که آخوند مصلحی از قول او زیرپای نظام مقدس را کشیده، می‌گوید، سخنان هاشمی تکان دهنده است، او مباحث «سران فتنه» را بیان کرده:

**«تکان دهنده این است که [...] هاشمی گفته [...] در کشور ۳ میلیون دانشجوی فرهیخته با نظام همراه نیستند [...]»**

بله، هر کس بجای مصلحی باشد «تکان» می‌خورد! چرا که قرار است نظام هم کمی «تکان» بخورد. در نتیجه، آن ۳ میلیون دانشجوی «فرهیخته» را که در عمل مجموعه‌ای است از اوباش ساواک، فرصت‌طلبان همیشه در صحنه و عوام‌گرایان شارلاتان با شعارهای «دین‌ستیز» وارد میدان



می‌کنند، تا سکولاریسم، ویراست سازمان سیا را به ما ملت معرفی نمایند! در چارچوب همین سیاست مقدس است که گاردین، مسلماً باز هم به نقل از «شاهدان عینی» ویژه خبرسازی و شایعه‌پراکنی، ۱۶ آذر را به دمکراسی وصله کرده، شعارهای جدید و خررنگ‌کن را نیز برای مشتاقان تعیین فرموده. از آنجمله است شعار گوساله فریب «دانشجو بیدار است، از دیکتاتور بیزار است!» راستش ما که خیلی «تکان» خوردیم! خصوصاً که در سال ۱۳۵۷، «بیداری دانشجو» و «بیزاری وی از دیکتاتور» را از نزدیک شاهد بودیم، و همچنین حماسه بلاهت دوم‌خرداد را هم هنوز فراموش نکرده‌ایم.

گاردین همچنین از تشکل سرکوبگر مادران عزادار تعریف و تمجید فراوان به عمل آورده چرا که اینان، همچنانکه گفتیم پارک را به مکان نمایش «سوگواری سیاسی» تبدیل کرده‌اند و هر چه این بساط گسترده‌تر شود نان کارفرمایان گاردین در روغن بیشتری شناور خواهد شد. گاردین همچنین «۱۶ آذر» را «نماد پیشروی دانشجویان» در روند دمکراسی دانسته و دست‌نوازشی هم به سروگوش زهره کاظمی مبارز کشیده. پس جای تعجب نیست که مهملات گاردین هم در سایت «نرخ روز» آنلاین و هم در سایت‌های «مستقل» دیگر منعکس شود.

البته اربابان آخوند مصلحی و کارفرمایان گاردین کور خوانده‌اند اگر می‌پندارند با ۳ میلیون دانشجوی فرضی که طلاب قم را نیز شامل خواهد شد باز هم می‌توان یک کودتای مردمی نظیر کودتای ۲۲ بهمن سازمان داد. ۳ میلیون نفر کذا را نمی‌توان به جای ملت ایران نشانند. درعوض مستر پرزیدنت گاوچران‌ها را می‌توان با «میم‌ته» در جمکران به قیاس کشید.

ایشان که امروز برای دریافت نوبل صلح کشور نروژ را به قدوم مبارک خود زینت بخشیده بودند، فرمودند ما در کنار

آزادیخواهان ایستاده‌ایم. و به شرافت راهپیمایان ایران شهادت می‌دهیم و خلاصه کم مانده بود که یک روضه امام حسین حسابی برایمان بخوانند تا فراموش کنیم که همین چند روز پیش با خامنه‌ای به نامه‌نگاری مشغول بوده‌اند! عراق و افغانستان هیچ! بله باراک اوباما هم پس از راز و نیاز با حکومت جمکران، در اسلو چادر و مقنعه حقوق بشر و آزادی به سر کرده و «شرافت» راهپیمایان را «شهادت» می‌دهد! سخنان گهربار ایشان در رادیوفردا مورخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹ منعکس شده:

**«آقای اوباما در سخنرانی خود [...] اشاره کرد که آمریکا همواره در کنار مردمی می‌ایستد که در پی آزادی‌اند، از جمله مردم ایران [...] او گفت: ما به عزت و شرافت صدها هزار نفری شهادت خواهیم داد که در سکوت و آرامش در خیابان‌های ایران راه‌پیمایی کردند [...] رئیس جمهور ایالات متحد در سخنرانی نوبل صلح در شهر اسلو افزود [روشن است] که رهبران این دولت‌ها از آرزوهای مردمان خود بیش از قدرت کشورهای دیگر واهمه دارند.»**

اگر ایران، افغانستان و عراق را ندیده بودیم باور نمی‌کردیم که آمریکا همواره در کنار آزادیخواهان ایستاده! و اگر ادبیات فئودال را نمی‌شناختیم متوجه نمی‌شدیم که ارزش‌های حماسی و گنگ نظیر «شهادت» و «عزت‌وشرف» که در سخنرانی‌های مقامات جمکران پیوسته تکرار می‌شود به ادبیات مقامات ایالات متحد نیز وارد شده! مستر پرزیدنت! آیا از آنجا که خاتمی شیاد و موسوی جلاذ هم در این راهپیمایی شرکت داشتند، شما اطمینان حاصل



کرده‌اید که راه‌پیمایان ایران «شرافت» و «عزت» داشتند؟ یا اینکه روی سخن شما با همان ۳ میلیون «دانشجوی» مخالف نظام است؟

البته فکر نکنید همه سخنرانی اواما شعار است! به هیچ عنوان! ایشان وقتی می‌گویند رهبران این دولت‌ها از «آرزوهای» مردم خود بیش از هر چیز واهمه دارند در واقع به ما می‌گویند، بجای طرح مطالبات صریح و مادی خود آرزوهای مان را بیان کنیم! تا همچون حسین مظلوم در کویر ابهام تا ابد سرگردان بمانیم، و همه به عزت و شرافت مان هم شهادت دهند! باراک اواما به زبان بی‌زبانی از ما می‌خواهد به ارزش‌های حماسی بازگردیم: عزت، شرافت، تعصب، قیام بر علیه ستمگر، و ... چرا که نتیجه چنین رویکردی جز «شهادت» نیست! خلاصه بی‌خیال نان و آب و مسکن و بهداشت و آموزش و غیره، «شهادت» و شرافت را عشق است! به قول آخوند علی شریعتی، «کاری حسینی کنید»، که نام پرزیدنت ایالات متحد نیز باراک «حسین» اواما است! باراک اواما برای خامنه‌ای پیام می‌فرستد، حسین هم برای ملت ایران اس‌ام‌اس خواهد زد! آیا این سخنان «تکان دهنده» نیست؟ نه! آنچه تکانه‌دهنده است ترجمه رادیوفردا از سخنرانی اواما است در اسلو!

هر چه باراک اواما به زبان آورده توسط مترجم رادیوفردا تحریف شد و در چارچوب ادبیات حماسی صحرای کربلا قرار

گرفته. اواما از شهادت به عزت و شرافت سخن نگفت، ولی رادیوفردا چنین ادعائی دارد. چرا که اگر ایرانیان برای حفظ عزت و شرافت خود در چارچوب مزخرفات شریعتی و حماسه «حسینی» راهپیمائی کنند، مادران عزادار که اکنون یک پارک را به اشغال خود در آورده‌اند کل کشور را به تصرف خود در خواهند آورد و باز می‌گردیم به دوران خمینی دجال و جنگ مقدس که هر روزمان عاشورا بود و جهان مان کربلا.

